

باسمه تعالی

جایگاه خودشناسی و تأثیر آن بر خداشناسی از دیدگاه قرآن و روایات

نجمه ته کر^۱

چکیده

در بینش اسلام خودشناسی مفهوم اساسی است و از گام های نخستین در راه اصلاح نفس و تهذیب اخلاق و پرورش ملکات انسانی است و خود منشأ بسیاری از آموزه های اخلاقی و تربیتی می باشد. براین اساس نوشتار به بررسی جایگاه خودشناسی و آثار تربیتی آن در خودشناسی می پردازد. روش تحقیق در این پژوهش به صورت کتابخانه ای است.

خودشناسی نسبت به سایر علوم در مرحله ی نخست قرار دارد؛ زیرا آدمی از خودشناسی به دیگرشناسی می رسد، چرا که اگر خود را بشناسد می تواند خدا را بشناسد. سرانجام باید گفت که خودسازی زیر بنای خداشناسی است و خودشناسی نیز آثار مطلوبی در تهذیب نفس و خداشناسی دارد.

کلیدواژه ها: نفس، خودشناسی، خداشناسی.

مقدمه

شکی نیست که همه خواهان نیکبختی و سعادتمند و برای رسیدن به این هدف بزرگ راهی جز تزکیه و تصفیه و تهذیب نفس؛ یعنی کسب مکارم و فضایل و دوری از رذایل اخلاقی وجود ندارد که انبیاء عظام و اولیاء کرام (علیهم السلام) بر این طریقت رفته و طالبان حقیقت را به این راه دعوت کرده اند و مهم ترین مسأله ای که فراوان مورد توجه آیین مقدس اسلام قرار گرفته و در رسیدن به کمالات و

^۱ - طلبه پایه پنجم، مدرسه علمیه الزهراء (سلام الله علیها) آزادشهر

فضایل انسانی نقش اساسی دارد. مسأله خودشناسی است که بعنوان یک امر حیاتی و ضروری مطرح می باشد و از دیدگاه دانشمندان علم اخلاق تهذیب نفس و خوشبختی و سعادت انسان و تقرب به سوی خداوند متعال و... همه در گرو خودشناسی است.

خودشناسی به معنی این است که اگر انسان مقام واقعی خویش را درک کند بداند که در معرفت می تواند بر فرشتگان پیشی بگیرد، بداند که او آزاد و مختار و مسؤول خویشتن و افراد دیگر و آبادکردن جهان و بهترکردن جان است. در زمینه خودشناسی مطالعاتی نیز صورت گرفته است از جمله:

مجلسی در بحارالانوار (۱۳۸۶) به این موضوع می پردازد و می گوید: «خودشناسی را که مقدمه خداشناسی است می توان از جهات گوناگون مورد تأمل قرار داد. از آن جا که فطرت آدمی با معرفت خدا عجین است دعوت به خودشناسی در واقع دعوت به خداشناسی و ارتباط با خداست و خودشناسی مقدمه محبت و معرفت با خداست».

خوانساری در شرح غررالحکم و دررالکلم (۱۳۶۶) به این مسأله می پردازد که خداشناسی حاصل از خودشناسی معلم حضوری است که اولاً هیچ تردیدی در آن راه ندارد و ثانیاً در تحریک انسان برای حرکت به سوی خدا و تحصیل قرب او توانا تر است. بنابراین دعوت به خداشناسی برای خداشناسی علاوه بر اینکه به سبب اهمیت موضوع خودشناسی است و به سبب رونق خاصی خودشناسی درون گرفته است که حصول آن علم حضوری یقینی است.

جوادی آملی در کتاب فطرت در قرآن (۱۳۸۴) بیان می کند: «مهم ترین فایده خودشناسی، خداشناسی است و هر کس خود را بشناسد خدای خود را شناخته است؛ زیرا خداوند هم مبدا است هم معاد. پس با شناخت خود که به شناخت خدا نیز منجر می شود، هم مبدا را شناخته و هم معاد را».

از گذشته تا به امروز دین همواره منبع مهمی برای خودیابی و معنابخشی انسان به خویشتن بوده است. از منظر قرآن راه رهایی انسان از تعلقات و رنج های مادی و نیل به آرامش و یقین در خودشناسی وی نهفته است. آگاهی انسان از طبیعت خویش، وی را متوجه امکانات و محدودیت های

وجودی اش می کند تا براین اساس در راه سیر و سلوک معنوی که همان خودشناسی است گام بردارد. اگر چه در زمینه خودشناسی کتاب ها و مقالات بسیاری نگارش یافته است؛ اما بررسی این پژوهش ها نشان از آن دارد که در این آثار به وجه جایگاه خودشناسی در قرآن و نیز آثاری که می تواند بر خداشناسی داشته باشد کمتر توجه شده است. حال با توجه به نیاز بشر امروز در درک و معنابخشی به خویشتن و هم چنین نقشی که قرآن به عنوان عنصری معنوی و فرهنگی در جوامع انسانی در فراهم آوردن زمینه ی مناسب برای تحقق این امر دارا هستند. نوشتار حاضر موضوع خودشناسی را از منظر قرآن بررسی می کند. از آن جا که خودشناسی موضوع اساسی در تربیت انسان و آراستگی به فضایل اخلاقی است و خود منشأ بسیاری از تعلیم و آموزه های تربیتی و اخلاقی می باشد. این پژوهش ضمن بررسی این مفهوم از نگاه قرآن به وجه آثار تربیتی آن برخداشناسی می پردازد. از این رو، پژوهش به دنبال آن است که جایگاه خودشناسی در قرآن چگونه است و چه آثاری برخداشناسی دارد؟

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- خودشناسی

۱-۱-۱- در لغت

خود در لغت به معنای شخص، ذات وجود است.^۱

و خودشناسی به معنای اطلاع بر خود، شناختن خود و عارف شدن به خود است.^۲

۱-۱-۲- در اصطلاح

خودشناسی در اصطلاح یعنی شناختن انسان از آن نظر که دارای استعدادها و نیروهایی برای تکامل انسانی می باشد.

^۱ - معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۸۳۵.

^۲ - دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص ۶۶۲.

۱-۲- خداشناسی

۱-۲-۱- در لغت

خدا [خ] (اخ): نام ذات باری تعالی است. همچو «اله» و «الله» لفظ جلاله الله که آن را در فارسی به خدا ترجمه می کنند. اسم خاص و جامع ترین نام های خدا است.^۱

۱-۲-۲- در اصطلاح

خداشناسی در اصطلاح یعنی شناخت خدا و مراد از خداشناسی آگاهی به صفات جلالیه و جمالیه او برحسب توان بشر است؛ اما اطلاع به کنه ذات مقدس از جمله اموری است که هیچ احدی بدان طمع نمی بندند.^۲

۱-۳- نفس

۱-۳-۱- در لغت

به معنای جان، روح، روان و نشان دهنده زنده بودن است.

۱-۳-۲- در اصطلاح

علوم اسلامی و قرآن بعنوان جهت دهنده حرکت و اندیشه انسان شناخته می شود و بسیاری از کردارها و رفتارهای آنان به پیروی از نفس او شکل می گیرد.^۳

در تعریفی از نفس آمده است: نفس آن چیزی است که تعیین موجودیت می کند. در ظاهر و باطن نشانه اش این است که خواسته دارد.^۴

^۱ - همان، ج ۶، ص ۹۵۶۸.

^۲ - حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۵، ص ۹.

^۳ - منتظری، اخلاق - اسلام - دین - فطرت، ص ۳۱۴.

^۴ - دژاکام، عبور از منطقه ۶۰ درجه زیر صفر.

۲- خودشناسی در آیات و روایات

ادیان آسمانی و پیشوایان دینی و علمای اخلاق اصرار وافری به خودشناسی و لزوم پرداختن به خویش دارند. البته اصرار و توصیه آن ها ارشاد است. به یک حقیقت فطری و عقلی در این راستا قرآن سراسر عالم طبیعت و عالم خلقت و حوادث و رخدادهای زمین و آسمان و تحولات و دگرگونی ها را علائم و نشانه های وجود مقدس پروردگار می شمارد و تأکید می کند در آفرینش آسمان ها و زمین، آمد و رفت شب و روز نشانه های (روشنی) برای خردمندان است. قرآن در عین اینکه سراسر عالم را کتاب حق تعالی می داند. همه پدیده ها را آیات حق معرفی می کند و توجه به آیات آفاقی و انفسی را موجب هدایت به حق می داند و در آیه ۵۲ سوره فصلت می فرماید: «به زودی نشانه های خود را در اطراف جهان و در درون جانیشان به ان ها نشان می دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است.

قرآن توجه خاصی به خودشناسی دارد و برای نفس انسان حساب جداگانه ای بازکرده است و گرچه انسان در ساختار طبیعی و از جنبه فیزیولوژیک اشتراکاتی با دیگر موجودات طبیعت دارد؛ اما به جهت ویژگی های نفس انسانی و ابعاد اختصاصی انسان، قرآن برای آیات انفسی موقعیت خاص قائل شده است و در نکوهش از کسانی که به خویشتن نمی پردازند و آیات الهی در درون خویش را نمی نگرند. در آیات ۲۱ سوره ذاریات می فرماید: «در خودتان نیز آیاتی است مگر نمی بینید». فطرت انسان را متوجه خویش می سازد و خودآگاهی ریشه در فطرت انسانی دارد؛ اما وقتی او خداوند را فراموش کرد، خداوند او را به کیفر غفلت از خویش مبتلا می سازد و در این صورت او از تلاش و اندیشه در مصالح واقعی و مسیر راه یابی به کمال باز می ماند و در مسیر انحطاط و سقوط قرار می گیرد.

در آیه ۱۰۵ سوره مائده خداوند درباره اهمیت و ضرورت خودشناسی می فرماید: «به خویشتن بپردازید، کسی که گمراه شد به شما زیان نمی زند اگر هدایت یافتید». مشخص است که تأکید قرآن بر توجه به خویشتن به این معنا نیست که انسان به انجام وظایف خویش در حق دیگران نپردازد؛ مثلاً امر به معروف و نهی از منکر که یک تکلیف و وظیفه اجتماعی است خودداری کند؛ چون توصیه قرآن به خودشناسی و شناخت ظرفیت های نفس انسانی برای این است که انسان هم آهنگ با فطرت خویش در مسیر حق و اطاعت خداوند قرار گیرد و در این راستا انجام همه ی وظایف فردی و

براساس آموزه های وحیانی، انسان در سیر الی الله و دست یابی به کمال با دشمنان فراوانی مواجه است. خداوند در قرآن می فرماید: «این چنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین جن و انس قرار دادیم. آن ها به طور سری (و در گوش) سخنان فریبنده و بی اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر می گفتند و اگر پروردگارت می خواست چنین نمی کردند».^۱

به یقین اگر شیاطینی از جن و انس نسبت به انبیاء الهی وجود دارد نسبت به پویندگان راه آن ها نیز چنین است. تلاش پروردگار از طریق ارسال انبیاء و نزول کتب آسمانی روحی بر این بوده است که انسان ها را متوجه این دشمنان گرداند؛ ولی متأسفانه انسان ها علل مختلفی در شناسایی و ستیز با آنان کوتاهی و غفلت ورزیده و به نغمه های دشمنان پاسخی مثبت داده و به دنبال آنان گرویده اند.

از جمله عواملی که سبب شده انسان در شناخت دشمن داخلی (شیطان نفس) دچار تزلزل و انحراف گردد، عدم معرفت به خویش بوده است. خطر این دشمن داخلی آنقدر زیاد است که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «از هوای نفس بترسید، همان گونه که از دشمنان بیم دارید؛ چرا که چیزی برای انسان دشمن تر از پیروی از هوای نفس و آنچه بر زبان جاری می شود، نیست».^۲

۴-۹- هدایت

خداوند در قرآن می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید مراقب خود باشید. اگر شما هدایت یافتید گمراهی کسانی که گمراه شدند به شما زیانی نمی رساند».^۳ علامه طباطبایی ذیل آیه، بحث گسترده ای در معرفت آورده است. از سیاق این آیه اینطور استفاده کرده اند که «تأمل در نفس» راهی برای هدایت است؛ چون در صدر آیه تأکید دارد که خودتان را بیابید و در خود تأمل کنید. سپس می فرماید: «گمراهی آنان به شما زیانی نمی رساند».

^۱ - سوره انعام، آیه ۱۱۲.

^۲ - کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۲۵.

^۳ - سوره مائده، آیه ۱۰۵.

مفاد این آیه بر حسب بیانی که ایشان فرموده اند این است که هنگامی که در نفس خود تأمل کنید به هدایت می رسید و دیگر ضلالت دیگران به شما زیانی نمی رساند.^۱

بنابراین با توجه به این گفته ها روشن می شود که وقتی انسان به خودشناسی بپردازد از شر گمراهان و بی منطقان در امان خواهد بود و گمراهی و انحراف آن تأثیری در او نخواهد داشت.

۴-۱۰- تأمین سعادت بشر

خودشناسی یا معرفت نفس زیربنای سعادت بشر در جمیع شؤون مادی و معنوی است. آدمی در پرتو خودشناسی به نیازهای معنوی و برونی خویش پی می برد و عواملی را که مایه تعالی و تکامل اوست تشخیص می دهد.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «کسی که خود را نشناسد از مسیر صحیح و نجات بخش دور می شد و به راه جهالت و گمراهی می گردید».^۲

۵- خودشناسی وسیله خداشناسی

خودشناسی وسیله ی خداشناسی است.^۳ قرآن مجید با صراحت می گوید: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ إِنَّهُمْ أَهْلَ الْحَقِّ؛ مَا آيَاتُ الْآفَاقِ وَ أَنْفُسِ (عجایب آفرینش خداوند در جهان بزرگ و در درون وجود انسان را به آن ها نشان می دهیم تا آشکار گردد که او حق است».^۴

و در جای دیگر می فرماید: «و فِي أَنْفُسِكُمْ أَقْلًا تَبْصُرُونَ؛ در درون وجود شما آیات خداست، آیا نمی بینید».^۵

^۱ - مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۳۲۲.

^۲ - میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۵۶۷.

^۳ - سوره حشر، آیه ۱۹.

^۴ - سوره فصلت، آیه ۵۳.

^۵ - سوره ذاریات، آیه ۲۱.

بعضی از محققان از آیه مربوط به عالم ذر نیز همین استفاده را کرده اند که معرفه النفس پایه «معرفه الله» است؛ آنجا که می فرماید: «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا؛ به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و آشکار ساخت و آن ها را گواه بر خویشان نمود (و اسرار وجودشان را به آن ها نشان داد و فرمود) آیا من پروردگار شما نیستم؟ آن ها همگی گفتند: آری گواهی می دهیم»^۱.

در تفسیر المیزان می خوانیم: «انسان هر قدر متکبر باشد و فراهم بودن اسباب زندگی او را به غرور وادارد نمی تواند این حقیقت را انکار کند که مالک وجود خویش نیست و استقلالی در تدبیر خویشان ندارد، چه اینکه اگر مالک خویشان بود خود را از مرگ و سایر آلام و مصائب زندگی باز می داشت و اگر مستقل به تدبیر خویش بود هرگز نیاز به خضوع در برابر عالم اسباب نداشت. بنابراین نیاز ذاتی انسان به پروردگار و مالک و مدبر جزء حقیقت وجود اوست و فقر و نیاز بر پیشانی جانش نوشته نشده، این حقیقتی است که هر کس از کمترین شعور انسانی برخوردار باشد به آن اعتراف می کند و تفاوتی میان عالم و جاهل و صغیر و کبیر در این مسأله نیست. به این ترتیب ثابت می شود که شناخت حقیقت نفس انسان با صفات و ویژگی هایش سبب معرفه الله و شناخت خداست. حدیث معروف «من عرف نفسه عرف ربه؛ هر کس خود را بشناسد پروردگارش را خواهد شناخت» نیز ناظر به همین است.

۶- نتیجه گیری

خودشناسی از موضوعات محوری در تربیت انسان و آراستگی وی به فضایل اخلاقی است. اسلام به خودشناسی و معرفت نفس از آن رو که مبدأ حرکت تکاملی انسان در نیل به آفریدگار است، تأکید می کند.

خودشناسی در قرآن و روایات جایگاه ویژه ای دارد و از عوامل مؤثر بر خداشناسی است. تحقیق در این رابطه می تواند آثار و فواید خودشناسی را باز شناساند و با بیان راه ها و عوامل خودشناسی موجب تقویت و گسترش این عمل و به تبع آن خداشناسی و خدامحوری بشود.

^۱ - سوره اعراف، آیه ۱۷۲.

آثار خودشناسی عبارتند از: خداشناسی و رشد کمال انسان، رستگاری در آخرت، مبارزه با نفس، مصونیت از آلودگی، حفظ تعادل روحی و گرفتار نشدن به عجب و جهت دهی مثبت به میل و بقاء است.

یکی از راه های خودشناسی مطالعه است که اولین و ساده ترین راه است و انسان با مطالعه کتب مختلف می تواند به درون خود راهی برای شناخت باز کند.. شناخت گذشتگان و تفکر از دیگر راه های خودشناسی است. خودشناسی بسیار ضرورت دارد و به همین علت نسبت به سایر علوم در مرحله ی نخست قرار دارد؛ زیرا اولاً آدمی از راه خداشناسی به دیگرشناسی می رسد و ثانیاً انسان واجد تمام خصایص دیگر موجودات است. لذا اگر خود را شناخت دیگر موجودات را شناخته و ثالثاً با خودشناسی می توان خدا را شناخت.

فهرست منابع

* قرآن

* نهج البلاغه

- ۱- الآمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، شرح جمال الدین خوانساری، دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۶۶.
- ۲- اکبری، محمدرضا، معرفت نفس در نگاهی نو، بی جا، نشر پیام عترت، ۱۳۷۷.
- ۳- جوادی آملی، عبدالله، فطرت در قرآن، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۹.
- ۴- حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، تهران، نشر مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۵.
- ۵- دژاکام، حسین، عبور از منطقه ۶۰ درجه زیر صفر، اصفهان، مؤلف، ۱۳۷۷.
- ۶- دشتی، محمد، نهج البلاغه، قم، انتشارات مشهور، ۱۳۷۹.
- ۷- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، نشر وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱.
- ۸- ری شهری، محمدمهدی، میزان الحکمه، دارالحديث، ۱۳۸۴.
- ۹- فلسفی، محمدتقی، اخلاق از نظر همزیستی و ارزش های انسانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.

- ۱۰- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، قم، ۱۳۷۴.
- ۱۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، اشارات اساطیر، ۱۳۸۶.
- ۱۲- مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، قم، نشر امام (ره)، ۱۳۸۸.
- ۱۳-، خودشناسی برای خودسازی،، ۱۳۷۶.
- ۱۴-، معارف قرآن،، ۱۳۸۶.
- ۱۵- معین، محمد، فرهنگ معین، ۱۳۵۱.
- ۱۶- منتظری، حسین، اخلاق- اسلام- دین- فطرت، تهران، نشر سایه، ۱۳۸۵.